نگاه

تهران شهر بی‌دفاع

حسین درودیان
متخصص مدیریت شهری

شهر تهران به‌عنوان مهم‌ترین شهر جهان تشیع موردتوجه تمامی مسلمانان جهان قرار دارد به همین دلیل پیشرفت این شهر باعث عزت و افتخار کشور به حساب آمده و آسیب‌پذیری آن نیز موجب آسیب‌های غیرقابل بازگشت می‌شود. حدود ۳۵درصد جمعیت و ۴۰درصد سرمایه‌های مالی کشور به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به تهران وابسته است درحالی‌که تنها دودرصد خاک کشور را تشکیل می‌دهد. آمار بالا به‌قدری گویاست که حتی دانشجویان رشته‌های مدیریت استراتژیک نیز با بررسی آن به این نتیجه می‌رسند که گسترش بی‌رویه و بدون برنامه تهران، چه در سطح و چه در ارتفاع جغای آشکار به میهن و مردم به حساب می‌آید وقتی عمده سرمایه‌های یک کشور در یک منطقه کوچک جمع می‌شود مسوولان شهری شرایطی را فراهم می‌کنند تا این سرمایه‌ها به‌راحتی مورد تهدیدهای طبیعی و بیرونی قرار گیرد؛ به‌جز حسرت و افسوس به چه نتیجه‌ای می‌توان دست یافت.

به همین دلیل در ادامه به پاره‌ای از این بی‌توجهی‌ها اشاره می‌شود.

۱- نابودی حریم شهر

به‌ازای هر یک هکتار فضای شهری باید ۵۰هکتار فضای پشتیبان شهری در نظر گرفت که علاوه بر ریه تنفسی شهر به‌هنگام وقوع بلایای طبیعی بتواند کمک‌رسانی به مناطق آسیب‌دیده را تسریع کند این حریم علاوه بر جلوگیری از گسترش بی‌رویه شهر به‌عنوان یک در مستحکم در مقابل تخریب اکولوژیکی نیز عمل می‌کند. متاسفانه این حریم خرج بلندپروازی‌ها در یکسری از پروژه‌ها شد.

۲- آسیب‌پذیرکردن شهر در مقابل حوادث طبیعی

نحوه ساخت‌وساز شهری و فروش تراکم بی‌رویه حتی روی گسل‌ها، عدم توجه اصولی به ساخت‌وساز در بافت فرسوده، تهران را در شرایطی قرار داده که خدای نخواسته درصورت وقوع یک زلزله شدید آمار خسارات و تلفات بسی از زلزله چندین برابر زیان‌های ناشی از خود زلزله خواهد بود. توضیح بیشتر درخصوص گسترگی و تبعات زلزله احتمالی در تهران را بر عهده متخصصان امر می‌گذاریم. نتیجه کوچکی از این بی‌تدبیری‌ها و قرارداد من شهر در آمای بلای طبیعی، سرازیرشدن سیل به مسیر مترو تهران و ایجاد خسارات بی‌شمار بود.

۳- حمله مستقیم به هویت شهری

تهران شهر چتاران، شهری با آبوهای چهارفصل و بی‌بدیل، شهری با فرهنگ شاخص، مهد شکل‌گیری مطالبات اجتماعی و خاستگاه مجلس و نهادهای مدنی در یک قرن گذشته بوده است که در طول دهه‌های اخیر شهرداری‌ها هر یک به حد کفایت این هویت را آماج ساخت‌وساز بی‌رویه قرار دادهاند. اما در هشتسال اخیر با شفته‌شدن کفه شهر، بزرگراسازی بی‌برنامه و ایجاد فضاهای بی‌روح شهری ارتباطات ارگانیک شهر را نابود کرده و خاطرات زیبای مردم را با برهم زدن بافت و هویت شهری از بین برده‌اند. چمباپا این هزینه‌های هنگفت بی‌برنامه می‌توانست صرف شهر را کامل و معضل ترافیک را حل کرده و مرهمی هم بر زخم کهنه آلودگی شهر بود.

۴- پیش‌فروش شهر بدنقع پروژه‌های نمایشی

آیا ساخت تونل‌های چندضمیلداری از جیب مردم صحیح است؟ برهم‌زدن آرامش بصری در پهنه گسترده‌ای از شمال تهران با پل طبقاتی صحیح است؟ آیا فروش تکه‌تکه‌های شهر و هزینه آن برای پروژه‌های بی‌سازی و تونل‌سازی توجیه فنی و زیست‌محیطی وافی دارد؟ از طرفی شهر را می‌فروشند و با واگذاری تراکم اجازه می‌دهند جمعیت به شکل بی‌رویه به شهر وارد شوند بعد برای رفع نیاز این جمعیت سرریزشده به تهران که با دست خود بعطور غیرمتقیم آنها را دعوت کردهاند پل و تونل و بزرگراه می‌سازند و بعد دوباره برای جبران هزینه‌های اضافی تراکم می‌فروشند و این دور باطل همچنان ادامه دارد. سخن آخر اینکه نگهداری شهر و مدیریت شهری بیش از هر چیز به عشق و علاقه و احترام به مردم نیاز دارد. شهر خانه و مأوای آرامش مردم و شهرداری و امکانات آن از خدمترسانی به شهروند است نه بستگاه رقابت‌های سیاسی. متاسفانه تبلیغات وسیع رسانه‌های مالی رسیدن سخنان کارشناسی به گوش مردم می‌شود. البته دراثر کار شد دل‌نوشته‌هایی بود از بنده کارشناس این شهر که زنگ خطرهای جدی را برای شهر بصدا درآورد.

پاراگراف

تغییر چهره کمیسیون‌های شورای چهارم

شورای شهر تهران در دوره گذشته دگرگون می‌شود و قرار است با توجه به افزایش تعداد اعضا از ۱۵ نفر به ۳۱ نفر، سه کمیسیون به کمیسیون‌های بیشین افزوده شود و ۱۴ کمیته جدید هم شکل بگیرد. کمیسیون شهرسازی و معماری، فنی و توانگر، محیط‌زیست و حفاظت و خدمات شهری فرهنگی، اجتماعی و سلامت، برنامه‌ودوجه و سرمایه‌گذاری و مشارکت‌ها، امور قضایی و حقوقی نشی‌کمیسیون جدیدی که قرار است به‌عنوان یک کمیسیون‌های جدید شورای چهارم نام برده می‌شود. محمد حقانی مسوول گلاله بررسی کمیسیون‌ها و ساختار جدید شورا در این‌باره گفتند: ساختار کمیسیون‌های شورای سوم دچار تکرار بود. تنها یک کمیسیون نشی‌کمیسیون جدید را پیشنهاد کرد که در جلسات غیرعلنی شورای چهارم نیز مطرح شد. سایر اعضا سوالاتی در این باره داشتند که تمامی پرسش‌های مطرح‌شده در این جلسه جمع‌بندی می‌شود و تا زمان رسمیت پیداکردن شورای چهارم اعلام نتیجه نهایی می‌کنیم. کمیسیون شهرسازی و معماری، فنی و توانگر، محیط‌زیست و خدمات شهری، فرهنگی و اجتماعی و سلامت، برنامه و بودجه و سرمایه‌گذاری و مشارکت‌ها، امور قضایی و حقوقی نشی‌کمیسیون جدیدند که حقانی از آنها به‌عنوان کمیسیون‌های جدید شورای چهارم نام می‌برد و می‌گوید: ساختار کمیسیون‌های قدیمی جدید دارگوناهی و برخی کارگروها جدا شده است. او به تشکیل ۱۷ کمیته جدید در شورای چهارم اشاره می‌کند و می‌گوید: گروه‌های تخصصی می‌توانند به عنوان زیر مجموعه این کمیسیون‌ها فعالیت کنند مانند کمیته امور مذهبی و یا کمیته میراث‌فرهنگی که می‌تواند زیرمجموعه کمیسیون فرهنگی باشد یا شهرسازی و معماری می‌تواند حسب نیاز با تشکیل کمیسیون‌هایی با شرکت اعضای خود موافقت کرده و تعداد آنها را افزایش یا کاهش دهد.

روزنه

چه کسی باید شهردار تهران شود

حسین احمدی‌نیاز

زمانی بحران آلودگی هوا شهرهای مکزیکوسیتی در مکزیک و ساوپائولو در برزیل را دچار مشکلات زیادی کرده بود و زیست انسانی شهروندان این دو کلانشهر به سختی سپری می‌شد اما اتخاذ برنامه‌های درست و علمی توسط شهرداران این دو کلانشهر باعث شد تا امروز از آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ترافیکی و سیاسی نسبت به درمان و انتخاب راهکاری مناسب برای درمان آنها اقدام کند. تهران متاسفانه تاکنون شهرداران یا دید عمران شهری به خود کمتر دیده است و کمتر شاهد توسعه همه‌جانبه ابعاد مختلف این کلانشهر بودهایم، تهران با نفسی همگن برخوردار نیست؛ وجود ساخت و سازهای نامتجانس در این شهر معضلات عدیده‌ای برای ساکنان آن ایجاد کرده است. کمبود پارکینگ، ترافیک شهری، بافت‌های فرسوده، بحران آلودگی هوا، فرار دانشگر روی گسل زلزله از غرب تا شرق، حاشیه‌نشینی، وجود شهرک‌های اقماری با مهاجران متفاوت از فرهنگ‌های مختلف، کمبود سرانه فضای سبز، معضل فاضلاب شهری و بازیافت آن، مخاطب‌نبودن مرزهای شهری تهران و بسیاری از مشکلات شهری دیگر، نیازمند انتخاب شهرداری است که تول حل آنها را داشته باشد. تهران بهسان ویترینی است که باید تمام لعاد آن را در نظر بگیریم فرهنگساز تهران باید دارای کارگرد موتوری در خلق بهترین و ایجاد محیطی شاداب برای تهرانیان باشد از سوی دیگر تهران باید شهرداری داشته باشد که بیشترین ارتباط و تعامل را با دولت داشته باشد.

مدیریت شهری قالیباف زیر ذره‌بین کارشناسان

البرز، تنفس‌گاه تهران با تراکم فروشی در حال از بین رفتن است

چنارهای سفارت انگلیس را مترو قیطریه خشک کرد

از راست به چپ: گلشن اعتماد، فردوس بیت‌یوتان، محمد قرایلی، علی نوذرپور/ عکس‌ها: ایدین رهبر شرق

فاطمه جمال‌پور

«شهر تهران تبدیل به کارگاه ساختمان‌سازی شده و این همه فساد در فروش تراکم بی‌سابقه است.»، «شهردار تهران دنباله‌رو یک‌سری اقدامات عمرانی است که در برابر دیدگان مردم قرار دارد و در کنار توسعه فضای سبز تراکم‌های عجیب‌وغریب به فروش می‌رساند.»، «دیگر شهر را شهرسازان نمی‌سازند بلکه دلال‌ها و سرمایه‌گذاران می‌سازند.»، «همچون کسی که اعضای بدن خود را می‌فروشد شهر را می‌فروشند.»، «شهرداری تنها یک‌سال برنامه پنج‌ساله را اجرا کرده است و به داشتن برنامه اعتقاد ندارد.»، «من به قالیباف گفتم به پنج‌درصد از حرف‌هایتان عمل کنید؛ اینها بخش‌هایی از صحبت‌های نمایندگان بزرگ‌ترین انجمن‌های صنفی و مشاور کشور در حوزه شهرسازی و معماری است درباره آنچه در این هشت‌سال بر تهران گذشته است. آنها از انجام ساخت‌وسازها در ارتفاع هزار و ۸۰۰متر و رودده‌ها سخن می‌گویند؛ یعنی جاهایی که همگان بر منع قانونی ساخت‌وسازها در آن متفق‌القول بودند. تهران در حال از دست‌دادن رودده‌ها و البرز به‌عنوان تنفس‌گاهش است. در کنار این افعاله کنید خشک‌شدن چنارهای ۷۰ساله، فروختن حیاط خانه‌های شمال شهر برای کاربری تجاری و بانک در مناطقی که دیگر ظرفیتی برای ساخت‌وساز ندارند، زیرا با کناشتن و تغییر طرح تفصیلی برای درآمد بیشتر. اینها در حالی است که بسیاری پروژه‌های عمرانی قالیباف را نقطه‌عطف فعالیت‌های او می‌دانند و کارنامه او را در این حوزه‌ها قابل دفاع ارزیابی می‌کنند. برای تایید یا رد این باور به سراغ نمایندگان بزرگ‌ترین انجمن‌های صنفی تهران در حوزه شهرسازی و معماری، دکترعلی نوذرپور، رییس جامعه مهندسان شهرساز، دکترگیتی اعتماد به نمایندگی از هیات مدیره جامعه مهندسان مشاور، مهندس فریدون بیت‌یوتان، رییس انجمن صنفی مهندسان معمار و شهرساز و مهندس محمد مزینانی عضو هیات‌مدیره جامعه مهندسان شهرساز، رفتیم تا ببینیم چقدر این باور صحت دارد. شهردار آینده تهران باید واجد چه ویژگی‌هایی باشد و ارزیابی‌شان از عملکرد هشت‌ساله قالیباف چیست. مشروح این میزگرد را در ادامه می‌خوانید:

که به نظر شما شهردار آینده تهران باید واجد کدام ویژگی باشد و چرا؟

گیتی اعتماد: مساله شهر مساله‌ای چندوجهی و بسیار پیچیده است و یک تصحیح خاص نمی‌تواند مدیریت شهر را بر عهده بگیرد. از نظر من باید مدیری کارا در شهر باشد اما حتما از تخصص‌های مختلف هم در اداره شهر استفاده کند. باید در تمام زمینه‌های مدیریت شهری از متخصصان استفاده و نظرخواهی شود. از سوی دیگر طرح جامع و تفصیلی برای شهر داریم ولی متاسفانه به سرعت اینها را مسوولان شهرداری کنار می‌گذارند. مدتی قبل جلسه‌ای با معاون شهرسازی شهرداری داشتیم. وی در مقابل تمام انتقادها و پیشنهادات ما عنوان می‌کرد: «طرح تفصیلی این موضوع را بیان کرده» یا می‌گفت: «این موضوع در طرح تفصیلی اینگونه عنوان شده است.» من در جواب وی گفتم: «اگر طرح تفصیلی و حتی‌منزل است چرا زمانی که تنها دو ماه از تصویبش گذشته بود قرارداد دیگری برای تجدیدنظر در آن منعقد شد؟» وقتی که تنها پس از دوماه طرح را کنار گذاشته و تصمیم به تجدیدنظر در آن می‌گیرید، پس چگونه وحی‌منزل است؟» بنابراین باید بگویم در مدیریت شهری تهران نیاز به طرح و برنامه داریم و هر طرح بدی بودنش بهتر از نبودنش است. در مساله تراکم‌ها از طرح جامع قرمانفرمابیان تا طرح تفصیلی مشخص شده است کجا چه تراکمی ساخته شود. اما به‌عنوان نمونه در کوچه محل مسکونی خانه من برج‌سازی انجام می‌شود. در دو سوی کوچه‌ای که از هشت‌متر کوچک‌تر است برج‌های هفت‌و۹طبقه روی پیلوت مجوز داده شده است.

در حال حاضر برای درآمدزایی مجتمع‌های بسیار بزرگ را در جوار خیابان ولیعصر مجوز داده‌اند و بخصوص نزدیک زغاله‌زیر نیایش و زعفرانیه، بین نیایش و پسیان و بالاتر از وک مجتمع‌های زیادی ساخته شده. درخت‌های چنار قدیمی که بسرعت باوجود کهنسالی خشک می‌شوند و کسی توجهی نمی‌کند. بدانترمیانسای هم بدون مجوز انجام می‌شود. اخیرا در خیابان مفاتن ارمیلی و آصف به ۴۰درصد حیاط مجوز دوطبقه تجاری و بانک می‌دهند. در حال حاضر این دو خیابان اصلی هستند. این خیابان تنها خیابانی است که از تجریش به پارکوی راه دارد و الان جای یک که هیچ اصلا جای رفت‌وآمد هم ندارد و فرض کنید اگر همه اینها تجاری و بانک شود در آینده چه می‌شود؟

من موبت ندارم تنها به مشکلات تهران اشاره کنم چراکه تهران را دوست دارم و واقعا عاشق روده‌رهای هستم اما حتی در کنار این مجموعه روده‌رها هم انشخاص و هم ادارات دولتی ساخت‌وساز می‌کنند.

مدتی پیش جلسه‌ای در یک‌ان‌جی‌او در رابطه با رودده‌ها داشتیم. یک پژوهشگر در رابطه با قنات‌های تهران صحبت می‌کرد که چگونه قنات‌ها به دلیل ساخت‌وسازها خشک شده است. وی در رابطه با جاری‌شدن خشک شده سفارت انگلیس می‌گفت علت خشک‌شدن این درخت‌ها خشک‌شدن قناتی بود که درخت‌ها از آن آبیاری می‌شدند و خشک‌شدن این قنات به دلیل عملیات عمرانی مترو قیطریه اتفاق افتاده است.

تمام اینها نشان می‌دهد ما مدیریت جامع تدارایم و تکرار می‌کنم برای شهر ما هرتخصصی نیاز به مدیریت جامع دارایم، در بخش آب، برق، ساخت‌وساز پیش‌بینی جمعیت. در حال حاضر برای منطقه یک، ۳۲۰هزارنفر جمعیت را در طرح تفصیلی پیش‌بینی کرده‌اند. این ۳۲۰هزارنفر تهران چندتایی با جمعیت حال حاضر سرشماری شده این منطقه ندارد، با اینکه هنوز نصف ساختمان‌های این منطقه خالی است.

علی نوذرپور: شهردار تهران نباید دارای تخصصی به دور از برنامه‌ریزی شهری باشد. اگر اینچنین باشد مسایلی که در رابطه با شهرهای ما تاکنون اتفاق افتاده بازهم اتفاق می‌افتد. چرا ما مدیران شهری ما مساله شهرسازی را مساله‌ای ساده تلقی می‌کنند؟ به‌عنوان مثال وقتی اجدیدی‌زاد می‌خواست برج مسکن و شهرسازی را معرفی کند، گفت: «ما در مساله شهرسازی مشکلی نداریم و در حوزه مسکن مشکل داریم و به این خاطر من آمدم عمرانی را مصوب کردم تا مشکل مسکن را حل کند.» در نتیجه مسکن مهری ساخته شد که تمام شهر و کشور را درگیر کرد و نمایانش تا مدت‌ها گریبانگیر کشور خواهد بود. چرا در شهرهای دیگر مدیران شهری ما با وجود نداشتن تخصص و فن برنامه‌ریزی شهری برای معاونت شهرسازی ما از متخصصان شهرسازی استفاده نمی‌کنند؟ چرا در تهران معاون شهرسازی باید فردی باشد که شهرسازی نخوانده است؟ چرا در مناطق مدیران شهرسازی مناطق ۲۲گانه شهرسازی نخوانده‌اند. در عین حال که شهرسازی رشته‌ای فرابخشی و متشکل از تمام علومی است که شهر به آنها نیاز دارد. همان الزامی که منجر به شکل‌گیری رشته تخصصی برنامه‌ریزی شهری می‌شود چرا در انتخاب شهردار و معاون شهرسازی به کار گرفته نمی‌شود.

به نظر می‌رسد آیین‌نامه اجرا صلاحیت شهرداری مصوب سال ۷۸ وزارت کشور نیاز به بررسی، پژوهش و مطالعه دقیقی دارد چراکه تاکنون هیچ پژوهشی در این زمینه انجام نشده است صرف داشتن مدرک مدیریت در شهرها کافی نیست. چراکه در غیر این‌صورت براحتی حرف تفصیلی زیربا گذاشته می‌شود زیرا شهردار حساسیت آن را درک نمی‌کند و برایش اهمیتی ندارد که مشکلات در شهرسازی چه تبعاتی در جوامع مختلف رویم شود خواهد داشت. به‌عنوان مثال آنچه در طرح معیارهای معماری ایرانی و اسلامی آورده شد و مورد تایید همه بود را درنظر بگیرید. مهمترین مساله که مساله حریم ساختمان‌ها بود نادیده گرفته شد. کدام ساخت‌وساز را می‌بینید که حریمش رعایت شود؟ نکته بعد این است که قبلا پیش از تشکیل شورای شهر، شهرداران ما توسط وزارت کشور انتخاب می‌شدند و اداره کلی در وزارت کشور بود به نام اداره کل شورای اسلامی شهر. در این اداره کل شورای اسلامی شهر تهران که ۲۵کارشناس داشت انتخاب شهردار را به صورت تخصصی انجام می‌دادند و در حال حاضر شورای شهر کنار گذاشته است و باید دید نقشی فراتر از آن اداره کل ایفا می‌کنند یا همان نقش را؟ واقعیت این است که همان نقش و حتی کمتر از آن

شهردار تهران باید مدیران متخصص، باتجربه و شایسته را به کار بگیرد. که همه‌شهری‌ای را به همکاری بگیرد و قرار است بعدا در انتخابات رییس‌جمهوری برایش رای جمع کند. به کار بگیرد. کافی است پایگاه کاری و شغلی شهردارشدنشان بررسی کنید

شهردار تهران باید مدیران متخصص، باتجربه و شایسته را به کار بگیرد. که همه‌شهری‌ای را به همکاری بگیرد و قرار است بعدا در انتخابات رییس‌جمهوری برایش رای جمع کند. به کار بگیرد. کافی است پایگاه کاری و شغلی شهردارشدنشان بررسی کنید

در حال حاضر شرکت‌های مشاور به‌عنوان عامل چهارم شهرداری مناطق در قسمت فنی و عمرانی مشارکت دارند. شرکت ما هم به منطقه را کار کرده است و در حال حاضر در دو منطقه فعال است. در قالب آیین‌نامه در ساختار شهرداری وجود دارد می‌توانیم وارد بوروسه مناطق و کنترل از جمله قابل‌توجه نحوه اجرای پروژه و... شویم. برنامه پنج‌ساله عمرانی شهرداری‌ها که از طرف وزارت کشور ابلاغ شد برنامه سیاست موثری برای تنظیم فعالیت شهرداری در حوزه عمران بود. اما عملا تمایلی برای اجرایی‌کردن آن وجود نداشت. شرکت‌های مشاور حتی حاضر بودند با حداقل حق‌الزحمه کار کنیم اما کار را انجام دهند اما نپذیرفتند. در حال حاضر برای شهر تهران هم وجود ندارد و آنچه تهیه می‌شود عملا به یک حساب مالی تقلیل یافته است که اقدامانی را که برای شهر انجام می‌شود شامل راه، حوی، ابنیه و... را کنار می‌کند. شرکت‌های مشاور اشکالات را می‌بینند اما عملا امکان تغییر ندارند. بلکه تنها اشکالات گزارش و جمع‌بندی می‌شود و واقعیت این است که از این تولن و تجربه مشاور بهره گیریم اما در جهت اصلاح ساختار استفاده شود. حل مرکزی برای شهر تهران هم وجود ندارد و آنچه تهیه می‌شود عملا به یک حساب مالی تقلیل یافته است که اقدامانی را که برای شهر انجام می‌شود شامل راه، حوی، ابنیه و... را کنار می‌کند. شرکت‌های مشاور اشکالات را می‌بینند اما عملا امکان تغییر ندارند. بلکه تنها اشکالات گزارش و جمع‌بندی می‌شود و واقعیت این است که از این تولن و تجربه مشاور بهره گیریم اما در جهت اصلاح ساختار استفاده شود. من به‌عنوان انجمن صنفی امتحانی اداری دارم کمال همکاری را برای شکل‌گیری آنچه تهیه و حرفه‌امان تصور می‌کند باید اتفاق بیفتد. انجام دهم. با جامعه مشاوران و شهرسازان امکان تشکیل نهادی را که بتواند طرف مشورت قرار بگیرد داریم.

که در رابطه با شورای شهر و مشارکت مردم در شهر چطور؟ به نظر شما اهداف ایجاد شوراهای اسلامی در کشور ما محقق شده است؟

بیت‌یوتان: واقعیت این است که شوراهای ما تبدیل به نماد و رانتی همچون رانت دولتی شده‌اند و متاسفانه دلیل اینهمه جایگاه مردم کجاست که تاکنون شوراها باید بتوانند شوراهای واقعی باشند. فرآیند شکل‌گیری‌شان باید از شوراهای‌ما شروع شود. تجربه ارتباط واقعی با مردم از شوراهای‌ما آغاز شود، سپس به شورای مناطق و پس و آن‌با به شورای شهر منتقل شود. به صرف نام افراد نباید شورای شهر تشکیل دهیم. اگر بحث تخصص را در شهرداری مطرح می‌کنیم، اعضای شورای شهر هم باید جایگاه متخصصان شهری باشند یا حداقل از درون شهر رشد کرده به شورای شهر رسیده باشند. جایگاه صنف رابابد در این فرآیند به رسمیت بشناسند و اصناف جایگاه واقعی خود را پیداکنند و نهادهایی تخصصی باشند. در زمینه مدیریت شهری و ساخت شهرداری هم باید گفت مدیریت متمرکز نداریم. باید طرح‌های پراکنده مناطق را در برنامه‌های پنج‌ساله گنجاند.

شهرداری جایگاهش آن چیزی است که در برنامه سوم در نظر گرفته شده بود با بدیل تحقق یابد؛ از نظر آموزش، گردشگری، اوقات فراغت و حتی اقتصاد شهر، شهرداری‌ها می‌خواهد که به‌دنبال درآمد پایدار در عمل و نه حرف باشد. این امر محقق نمی‌شود جز با محقق‌شدن اقتصاد شهر. وقتی شهر از نظر اقتصادی رشد می‌کند که عوارض میان همه بخش‌ها توزیع شود و تنها منحصر به ساختمان نباشد. بنابراین شهرداری باید به این موضوع باور و برای اقتصاد شهر برنامه داشته باشد. ضمن اینکه از دولت مطالبه کند. این افتخار نیست که بگوییم دولت پرداخت نکرده ما خود درآمدزایی کردیم. دولت‌ها در همه جای دنیا بین ۳۰ تا ۵۰درصد بودجه‌های شهر را پرداخت می‌کنند و تا پیش از اقتلاب هم ۵۵درصد بودجه شهرداری را دولت پرداخت می‌کرد. دولت را کنار گذاشتند و به ناچار به روش‌های غیرقانونی دست می‌زدند، مردم را بی‌اعتماد و شهر را نابود می‌کنند و می‌فروشند. در قبال فروش بخشی از شهر بخش دیگری را می‌سازند. شهر را نفروشند قانون را دور نزنند. عملکرد دوره‌های اخیر شهرداری به‌گونه‌ای بود که قانون را قبول نداشتند. لایحه‌ای با عنوان «لایحه درآمد پایدار» تهیه شد اما در دولت احمدی‌نژاد مسکوت ماند. تا زمانی‌که شهر را براساس مسکن و ساخت‌وساز اداره می‌کنیم اوضاع از این بدتر هم می‌شود. دیگر شهر را نه شهرسازان بلکه دلال‌ها و سرمایه‌گذاران می‌سازند. در حال حاضر در منطقه یک، دو، سه و تمام مناطقی که ارزش افزوده دارد ساخت‌وساز بدون هیچ ضابطه‌ای در جریان است.

گلا در ارتباط با عزل‌ونصب و انتصاب مدیران چطور؟ عملکرد قالیباف را چگونه می‌بینید؟

نوذرپور: بنده مدیران متخصص، باتجربه و شایسته را به کار بگیرد، نه اینکه هر فردی را که همشهری‌ای با همکارش بود و قرار است بعدا در انتخابات ریاست‌جمهوری برایش رای جمع کند، به کار بگیرد. کافی است پایگاه کاری و شغلی شهرداران مناطق ۲۲گانه را پیش از شهردارشدنشان بررسی کنید. چندین نفر از این شهرداران مناطق، شهرداران شهرهای دیگر بودهاند و بدون هیچ توجیهی جز داشتن نگاه سیاسی به کار گماشته شدهاند. شهردار تهران نباید دنبال پست ریاست جمهوری باشد چراکه در این‌صورت به دنبال مدیریت شهر و ضوابط شهرسازی نیست بلکه دنباله‌رو کارهای نمایشی و سیاسی می‌شود و دنبال نیروی شایسته و قوی نمی‌رود، زیرا نیروی قوی روی چارچوبها می‌ایستد و نسبت به تخصص خود تعصب دارد.

اعتصام: من به قالیباف گفتم به پنج‌درصد از حرف‌هایتان عمل کنید، ما نیاز به مدیری داریم که به برنامه‌ریزی و نظرخواهی از مردم باور داشته باشد. در کنار شهردار باید بدنه کارشناسی قوی‌ای داشته باشیم. نهادهای حرفه‌ای می‌توانند بسیار کمک‌کننده باشند. از افراد باصلاحیت استفاده کنند و مساله، مساله سیاسی نباشد و مسایل به‌طور کارشناسی دیده شوند.

گلا مهم‌ترین چالش تهران در حال حاضر چیست؟

اعتماد: یکی از مشکلات اصلی شهردار کنونی شهرفروشی است، همچون کسی که اعضای بدن خود، سرمایه خود را می‌فروشد شهر را می‌فروشیم. ما می‌خواهیم در این شهر زندگی کنیم. اگر قرار باشد هرروز با تراکم‌فروشی، دورفروشی و درآمد روزانه را بفروشیم، این راحل مدیریت شهر نیست. هنوز قوانین زیادی برای تامین درآمد کمی وجود دارد همچون عوارض راهنمایی و رانندگی بنزین و... که از زمان رضاشاه وجود دارد و باید به‌روز و اجرا شوند. اگر اینها اجرا شوند نیازی به فروش شهر نداریم.

محمد: اواخر شهرداری به‌عنوان مثال، هفت‌طبقه جواز داده بعد به مالک می‌گوید: «دوطبقه دیگر هم می‌خواهید؟» نمی‌دانم به کجا می‌رویم. ما در جلسه‌ای با حضور مشاوران مناطق ۲۲گانه حضور داشتیم برای مشخص‌شدن تراکم مناطق. من در آن جلسه گفتم: «به‌جای مشاوران، بسازوبفروش‌ها را دعوت می‌کردید ببینید چه تراکمی برایشان به‌صرفه است.» اصلا توجهی به این نمی‌شود که شهر تا چه میزان نیاز به ساختمان دارد. حمل‌ونقل مساله دیگری است. در دنیا اتوبان‌سازی تشویق به ماشین‌سواری است، باید به جای اتوبان‌سازی به حمل‌ونقل عمومی توجه شود. شهرداری شعاری بر برخی ایستگاه‌های اتوبوس نوشته است که به‌نظر می‌رسد مسوولان شهرداری بر روی ایستگاه‌های اتوبوس نوشته‌اند که از این رابور داشت اتوبان مسیر را نمی‌ساخت. آن شعار این است: «اگر سیر سواد ماشین خنثی خنثی شود، مترو مرا به راشغال می‌برد و اگر سوار اتوبوس شوم یکصدو نود و پنج دقیقه طول می‌کشد تا به مقصد برسم.» در حال حاضر حتی حیاط را هم می‌فروشند و صددرصد زیر زمین هم مشکل دارد. قناتها که خشک شده، باغ‌ها هم از بین رفت و البرز هم در معرض خطر قرار گرفته‌اند.

گلا در زمینه تونل توحید چطور؟ چقدر اجرای این پروژه کارشناسی شده بود؟

اعتماد: اگر ما برای فردوگاه‌مان مترو می‌ساختیم شاید به تونل توحید احتیاجی نبود. تونل توحید آلودگی‌اش و امنیتش هم مشکل‌راست. تونل توحید هم از نظر کارشناسی چندان قابل دفاع نیست.

گلا به این ترتیب چه آینده‌ای برای تهران می‌توان متصور شد؟

اعتماد: تهران شهری متحدمرکزه‌فرد و با مرزبای فراوان است. درست است کنار رودخانه نیست اما رشته کوه البرز اهمیتش کمتر از رودخانه نیست. تهران هنگرودره دارد. اما حریم این رودره‌ها رعایت نمی‌شود. به نظر من باید تهران را به حل خود بگذاریم و این همه بلا بر سرش نیاوریم.

مرتضی: درحال حاضر سه انجمن بزرگ شهرسازی و معماری وجود دارد اما شوراي چهارم تاکنون حتی یک جلسه با این انجمن‌ها نداشته است. باید شهرداری‌ها نامزدها را بصورت شفاف ارایه دهند در حالی که تنها دنبال رایزنی‌های سیاسی هستند.

گلا ارزیابی‌تان از قانون گرایی و برنامه‌ریزی شهردار پیشین چیست؟ قالیباف در حالی گفته که دو برنامه پنج‌ساله را بدون هیچ تخلفی اجرا کرده است.

نوذرپور: در شهرداری شهر تهران مواردی به‌عنوان برنامه پنج‌ساله مطرح می‌شود اما هیچ‌کدامشان عملایه ابراهیم نرسیده است. برنامه پنج‌ساله عمرانی شهر، برنامه‌های برای عمران و نوسازی شهر بود. تمام عوارض در این برنامه پیش‌بینی شده بود که حدود ۳۵درصد بودجه شهر را شامل می‌شد. حالا همان برنامه الزام قانونی داد اما انجام نمی‌شود. بله در زمان انتخابات ریاست جمهوری قالیباف به نمایندگان مجلس گفت: «من برنامه‌های پنج‌ساله داشته‌ام و دو برنامه پنج‌ساله من در تهران اجرا گردید بدون اینکه یک‌درصد لغزش داشته باشم.» این دو برنامه یک برنامه پنج‌ساله ۹۲-۸۸ بود که شهردار قبل این برنامه به‌طور کلی مبان نشده بود طبعا قابل ارزیابی نبود. به همین دلیل برنامه عملیاتی‌ای تدوین کردند که آن برنامه ۹۲-۹۰ بود. پس عملا دو برنامه پنج‌ساله نیز یک است خود برنامه ۹۱-۹۰ یکسال تدوینش به طول انجامید و آخر ۹۰ به آنمام رسید و تنها سالی که برنامه وجود داشت سال ۹۱ بود. کلا شهرداری تهران یکسال برنامه داشت. شهردار باید به داشتن برنامه باور داشته باشد. چراکه در این زمینه‌ها بسیار سابق که روی کار آمد برنامه پنج‌ساله چهارم را کنار گذاشت؟ فقط برای اینکه دستش باز باشد. یکی از مشکلات جدی در شهرداری‌ها این است که شهردار باید به برنامه باور نداشته. در نتیجه برای تدوین برنامه اقدام نمی‌کنند و اگر هم اقدام کنند به گوهنای عمل می‌کنند که دستشان باز باشد.

بحث اقتصاد شهر هم بحثی جدی است. چندین سال است که عنوان می‌شود شهرداری‌ها وابسته به درآمدهای ناپایدار هستند. بخش عمده درآمدهای شهرداری تراکم‌فروشی است و این مساله رواج یافته و روبه عقلی است که شکل گرفته است. وقتی که قالیباف شهردار شد طبق گفته خودش ۱۰هزار درصد درآمد شهر وابسته به درآمدهای ناپایدار بود که در حال حاضر به ۱۰درصد رسیده است. تهران شهر باید از جاذبه‌های گردشگری‌اش درآمد کسب کند، نه اینکه تنها از ساختمان و زمین درآمد کسب کند. چرا تمام دلال‌های خرد باید سرمایه‌هایشان را به سمت ساخت‌وساز بیاورند؟ از آن سو شاهد این هستیم که در طرح تفصیلی چند کد پایین از سوی شهرداری حذف شد و پتنجطبقه روی پیلوت حداقل ساخت‌وساز شهر تهران شده است و شهر تهران تبدیل به کارگاه ساختمان‌سازی شده است. فسادی که در تغییر تراکم‌ها شکل گرفته است، تاکنون سابقه نداشته این همه دفاتر غیررسمی آمادگی تغییر تراکم‌ها را می‌دهند. در زمانه گلهای دهند. در تمام شهرداری‌ها تراکم در حال افزایش تراکم رقم و نرخ دارد. هر میزان تراکم نیاز داشته باشد با رقم بالایی که دریافت می‌شود، مهیا می‌کنند.

این اشکال نه در یک جا بلکه در تمام فرآیندها وجود دارد؛ از تهیه طرح تفصیلی گرفته که یا بلخگوی نیازهای شهر نیست تا عدم توجه به توسعه اقتصادی شهر. حال آنکه مدیریت شهری جزو بخش‌های طرح تفصیلی بود اما اصلا انجام نشد. بهره‌برداران هم حلقه بعدی توسعه شهر هستند که به آنها هم توجه نشده است. کلاما ارزاد و هنر هستند که هرجایی هرجیزی را که می‌خواهند تعویج کنند و شهرداری هم این آمادگی را دارد که در ازای دریافت عوارض بفروند خود را آن موافقت کند. بلاخره شهر را با بلید تخصص ادراه کند یا سرمایه و هر دو اینها باهم کنار بیایند این حجم‌فروش تراکم‌دارایم، تغییراتی که برای عوارض پذیره از شهروندان گرفته می‌شود، این مبالغ جمع می‌شود و ارضی خریداری می‌شود یا قیمت‌های گران، انوبان‌ها احداث می‌شود و مرتب این انوبان‌ها گسترش می‌یابند نیمه ایزایی برای توجیه تفصیلی انجام شود. بدون اینکه خدمات کل و اشتغال را در سطح شهر تهران توزیع کنیم تا نیازی به این همه انوبان و رفت و آمد نباشد. در حال حاضر من هرچیزی بخواهم باید به بورس بخواهم کنم؟ اگر مثل می‌خواهم بروم یافت آباد، اگر بزد می‌خواهم مولوی و اینها همه تولید سفر است. اگر سازماندهی در توزیع مناسب خدمات در محل داشته باشیم این اتفاق نمی‌افتد.

بیت‌یوتان: